

## تربیت ملی

بقلم آقای میرزا علی محمد خان اویسی

## ۲ - اهمیت تربیت

در مقاله گذشته با ذکر عقاید متخصصین خارجی دو مسئله محرز شد اول آنکه تربیت و تعلیم هر ملت باید بزران ملی همان ملت بعمل آید

دوم آنکه تربیت و تعلیم باید مطابق احتیاجات و بر وفق اخلاق و عادات ملی بوده باشد.

اینک موضوع بحث ما درجه اهمیت تربیت است .

در ممالک متمدنه و مترقیه دنیا یعنی آن ممالکی که مارة و معناً بدوره اعتلا و ترقی رسیده اند - چون بدیده دقت نظر اندازیم . می بینیم که « تربیت » افراد ملت را در درجه اول مورد توجه مخصوص قرارداد و از « تعلیم » آنها مقدم دانسته و فوق العاده به آن اهمیت میدهند و علاقه مند هستند .

در واقع درجه تفوق و ارزش یکنفر از روی چه معلوم میشود ؟ ما - یعنی آنقسمت از ما که هوا خواه علم هستیم - و نژاد لاتن بطور عموم میگوئیم : « از روی درجه معلومات یعنی عده تصدیقنامهها و دیپلوم هائی که در دست دارد » ولی انگلیسها و امریکائیها برعکس بان تصدیقنامهها و دیپلومها چندان اعتنا ننموده و به اوصاف اخلاقی افراد یعنی به کاربری - بصیرت - اصابت رأی و اراده آدم فوق العاده اهمیت میدهند و عقیده دارند که با داشتن این اوصاف چندان لزومی ندارد که شخص دارای اطلاعات علمی زیادی باشد . چه دارنده اوصاف مزبور

هر وقت که بخواهد آنچه را که لازم دارد یاد خواهد گرفت و يك وجود مفید برای خود و جامعه خواهد بود - در صورتیکه یکنفر آدم بی اخلاق همیشه محتاج دستگیری و کمک دیگران است و همواره بخدمت دولت متوسل میشود - زیرا که در اغلب امور دولت - وظایف و خط مشی کاملاً معین است و کمتر فکر و اراده و قدرت موجد لازم دارد. این قبیل آدمها باتمام معلوماتی که دارند - در حکم صغیر بوده و دیگری باید آنها را هدایت نماید .

مقصود حقیقی از تربیت تولید و بسط يك سلسله اوصاف اخلاقی - است در انسان - از قبیل : مذاقه ، تفکر ، قضاوت ، قدرت ایجاد ، حسن اشتراك منافع ، ثبات ، اراده و غیره . تحصیل این اوصاف نیز میسر نمیشود مگر بوسیله عمل و عادت ، این نکته هم مسلم است که اوصاف مربوط در نزد ملل مختلفه بيك پایه و اندازه نبوده و بنا برین یکنفر فرانسوی و يك ایتالیائی و یا روسی و ژاپونی و انگلیسی را نمیشود بيك ترتیب و از روی اصول معینی تربیت نمود ، در نزد هر ملتی باید دقت کرد و دید کدام صفات را فاقد است و در کدام صفات ضعیف است و بهمان نسبت بتولید و بسط صفات اخلاقیه او اقدام کرد .

بعبارة اخری تربیت باید اوصاف اخلاقی يك ملت را محکمتر و مفسد اخلاقی آنرا مرتفع نماید .

در صورتیکه باتمال تأسف مشاهده مینمائیم که در مدارس معدود ما درست بعکس اینعمل اقدام میشود از هر نقطه نظر دیگر گذشته باید حتماً معتقد باشیم که از نقطه نظر تربیت اصول قدیمه تدریس بدتر و اصول جدیدهم بسیار بداست .

در نزد ما همیشه مقصود از تحصیل - یاد گرفتن یکسلسله از معلومات بوده و میباشد - خواه آن معلومات برای پیشرفت کار و زندگانی ما مفید باشد یا خیر. اصول اخلاقی نیز مکتسبی بوده و در تدریس هیچ مقامی نداشته و ندارد، امروز هم آن مدیر مدرسه که بر ساعات تدریس و مقدار تحصیل شاگردان می افزاید - در نزد وجدان خود راضی است و خیال میکند خدمتی بانها کرده است بدون اینکه اندک توجهی به تربیت آنها داشته باشد.

دستور تحصیلات جدیده ما از فرانسه اقتباس شده و از نقطه نظر تربیت و تعلیم متضمن همان معایب است که فرانسویان نیز همواره دچار بوده و بهمان علت نتوانسته اند خود را کاملاً بپایه سایر ملل مترقیه برسانند و اکنون مدتی است متفکرین و اولیای امور آنها - در صد رفع آن معایب و نواقص برآمده اند.

در تأیید مراتب فوق دکتر کوستاولوبن در کتاب «روح تربیت» اضافه مینماید که حس اشتراك منافع در نزد نژاد لاتن (که فیاسویان نیز از آن نژادند) خیلی ضعیف است و افراد این نژاد خیلی کم با هم محبت و علاقه دارند - با اینحال در مدارس آخرین اثرات جزئی آن حس را هم از حالا محصلین محو و بجای آن بواسطه رژیم وقیح جایزه و مسابقه که مدتهاست در نزد انگلیسها و آلمانها متروک شده - حس رقابت و خود خواهی را در آنها بیدار مینمایند.

همچنین قدرت موجوده در نژاد لاتن خیلی کم است و با اینحال در مدارس شاگردان تحت مراقبت مخصوص قرار گرفته - زندگانی آنها منظم - ساعات کار معین و وظایف هر ساعت از روز مرتب شده است

بقسمی که در تمام مدت تحصیل بجهت محصلین کمترین فرصتی برای بکار انداختن فکر و اقدام بکاری - غیر از آنچه که مقرر شده - باقی نمیماند تا باتخاذ تصمیم و ایجاد نظری محتاج باشند - البته چگونه میتوان توقع داشت که چنین مردمانی بتوانند مستقلا خود را اداره نمایند - در صورتیکه يك روز بدون معلم و مبصر از مدرسه خارج نشده و بهیچ کاری بدون داشتن دستور اقدام ننموده اند ، معلمین و ابوبن اطفال نیز خیلی مضر و خطرناك میدانند که محصلی خود مستقلا برآکن سوار شده و برای تماشا بیک موزه برود و یا خود را بیک کتابخانه برساند لاین ها خیلی کم اراده هستند و بدیهی است چگونه میتوان این فضیلت را از ملتی توقع داشت که در کودکی قدم بقدم تحت مراقبت ابوبن بود و در هنگام جوانی در تحت نظارت معلمین و چون بدرجه رشد و مردی میرسند معجلا خود را در تحت کفالت و حمایت دولت قرار داده و شخصا راه اقدام هیچ کاری را نمیدانند .

لاین ها اغماض ندارند و در پیروی هر فکر خیلی متعصب هستند و کمتر حاضر میشوند که فکر دیگران را هم محترم بشمارند . بجهت اینکه قرنهایست باین رویه عادت کرده و از پیشوایان خود هر يك را شیفته فکر و طریقت خود و دشمن فکر دیگری دیده و می بینند . معلم جدید و مدرس علوم قدیمه - هر يك خود را در اثبات رأی فرد اکمل دانسته و یکدیگر را حقیر می شمارند و البته با چنین فکر های خشك غیر استدلالی ممکن نیست بتوان امیدوار بود که محصلین با تربیت و دارای فکر روشنی تهیه شوند . همین حس عدم اغماض اسباب خرابی نژاد لاین را فراهم آورده - چنانکه اسپانیولیاها بواسطه اختلافات و کشمکش -

های داخلی مذهبی دسته دسته مستملکات خود را از دست دادند - ایتالیا و فرانسه هم بهمین درد مبتلا میباشند و هر قدر که حس اغماض در نزد نژاد انگلوساکسن قوی است و آنها را در دنیا ترقی داده - بهمین اندازه مخالف آن حس در نزد نژاد لاتین قوت دارد و با اینکه این نژاد در علوم و ترقیات پیشقدم بوده اکنون بهمین علت روی به تنزل نهاده و بطرف زوال میروند .

اینجا بیانات دکتر خاتمه می یابد - ملاحظه میفرمائید که چقدر ما از حیث مفساد اخلاقی با نژاد لاتین شباهت داریم و تا چه اندازه محتاجیم که دستور تعلیم و تربیت خود را تغییر داده و با ملاحظه روش تدریسی ملل دیگر که پیشرفت های بیشتری در دنیا حاصل نموده اند - از قبیل امریکا و انگلیس و آلمان و دقت در حوایج و احتیاجات خود آنها اصلاح نمائیم .

اما اینکه اصلاح دستور تحصیلات از نقطه نظر تربیتی چگونه باید بعمل آید - مسئله علیحده است که باید جداگانه موضوع بحث واقع شود .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

خرد

خرد است آن کز او رسد یاری !	همه داری اگر خرد داری !
هر که داد خرد نداند داد	آدمی صورت است و دیو نهاد
و آن فرشته که آدمی لقب است	زیرکانه و زیرکی عجب است
	نظامی - بهرام نامه